

**Recovered Childhood Memories;
The effect of association and continuity of lived
experiences on emergence Coercion & Street bullying**



Dr. Gelavizh Sheikholeslami vatani

PhD student in Criminal Law and Criminology, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Corresponding author)
Email : gelavizhsheikholeslami1@gmail.com

Extended Abstract:

The study of the life course of criminals is essential, as examining the fluctuations in their developmental trajectory-encompassing various stages and interlinking events and experiences-enables the construction of a causal model. This model reveals the individual as shaped by specific thought patterns, psychological traits, and behavioral tendencies, all of which emerge from a lifestyle influenced by life transitions. Over time, these transitions may fragment the individual into a fragile state, where they may appear whole but remain vulnerable to disintegration with each new challenge. This highlights the critical need for preventive strategies and underscores the importance of corrective and rehabilitative measures. In this context, criminogenic factors are understood as a combination of personal and societal conditions that either facilitate or exacerbate the likelihood of criminal behavior, both at its inception and during its continuation.

Accordingly, addressing the impact of childhood experiences on an individual's adult lifestyle is essential. Traumatic experiences, often deeply embedded within a person's psyche, can later manifest in various forms, such as severe psychological stress, sexual dysfunction, eating disorders, self-harm, and



Legal Innovation

Quarterly

Legal Innovation Research

Institute

Spring 2025, Volume 1,

Issue 1

www.journallir.com

ultimately, criminal behavior. While the human brain has the capacity to suppress or temporarily block distressing memories to mitigate emotional discomfort, such repression is not permanent. These traumatic experiences may be compartmentalized in the subconscious, stored away to reduce the pain associated with them. However, over time, these repressed memories can resurface, reconstructed and re-enacted in different contexts. Individuals may unconsciously recreate scenarios influenced by their past experiences, which may be disjointed or maladaptive.

A professional criminal, in their ongoing desire to commit crimes, faces a strong pull towards felonious paths, often compounded by a lack of effective deterrents. This weakens their ability to reintegrate into society, perpetuating a cycle of criminal deviation. Based on this understanding, the explanation of a model for the social rehabilitation of criminals—formed through a causal approach—includes concepts such as the importance of differential cohabitation, the strengthening of social commitment, the distribution of social roles, and the promotion of a constructive sense of shame and remorse. This model requires a multifaceted transition process for the offender, focusing on the sequence of roles, opportunities, constraints, and events that unfold throughout their life, from birth to death. Each of the individual's memories, thoughts, emotions, observations, and motives can influence their perception of crime and criminality.

This study aims to explain the underlying causes of coercion and street bullying behaviors, specifically focusing on recovered childhood memories of criminals incarcerated in Tehran Prison. The narrative explores the association and continuity of their lived experiences and how these factors shape their desire to engage in coercion and street bullying, as introduced by the author Rudolf Lang. The research emphasizes the crystallization of antisocial behaviors, influenced by childhood experiences and memories,

and the absence of familial, religious, and social interests. It highlights the importance of risk factors across various age periods and the formation of a criminal character over time.

This quantitative and phenomenological study was conducted through the distribution of 100 researcher-designed questionnaires. The statistical population comprises convicts incarcerated for crimes against individuals in Tehran's Great Prison between the years 1400 and 1401. The primary objective of the research is to demonstrate that the desire for criminal activity is a product of a developmental path rather than an isolated event. This research follows a descriptive-survey approach and is of an applied nature. The findings reveal that variables such as childhood criminal behavior, running away from home, history of abuse and violence, child labor, familial addiction and deviance, and peer associations all contribute to the incidence of criminal behavior. The results confirm that criminal tendencies develop along a path influenced by individual, family, social, and temporal factors. Statistical analysis, conducted using SPSS 22 software, applies descriptive and inferential statistics, including multivariate regression equations.

Keywords: predictors of crime, lived experiences, coercion, street bullying, causal approach.

خاطرات سرکوب شده کودکی؛


تأثیر تداعی و پیوستگی تجربه‌های زیسته بر بروز زورگیری و

قلدری‌های خیابانی (مورد مطالعه: زندان فشافویه)

(دریافت: ۱۴۰۳/۹/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۰)

دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

Email: gelavizhsheikholeslami1@gmail.com

دکتر گلاویژ شیخ‌الاسلامی وطنی 



فصلنامه نوآوری حقوقی

پژوهشکده نوآوری حقوقی

بهار ۱۴۰۴، دوره اول، شماره ۱

www.journallir.com

چکیده:

پژوهش حاضر که در پی چرایی و چگونگی ارتکاب جرائم زورگیری و قلدری‌های خیابانی است، تلاشی است که در جهت تبیین جرم‌شناختی خاطرات سرکوب‌شده کودکی طیفی از مجرمان در زندان تهران بزرگ صورت پذیرفته است؛ روایتی که توصیف‌گر تأثیر تداعی و پیوستگی تجربه‌های زیسته آن‌ها بر تمایلشان به ورطه زورگیری و قلدری‌های خیابانی است. مطالعه‌ای کمی و پدیدارشناسانه که از طریق توزیع صد پرسش‌نامه محقق‌ساخته تدوین شده است. جامعه آماری این پژوهش، مشتمل بر گروهی از مرتکبان زورگیری و قلدری است که دوران محکومیت خود را در فاصله زمانی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ در زندان تهران بزرگ می‌گذراندند. هدف اصلی پژوهش بر این محور است که تمایل به زورگیری‌های خیابانی و اصرار بر آن‌ها بیش از آنکه ناشی از حادثه‌ای باشد، محصول یک مسیر است؛ مسیری که با سنجش ۲۶ متغیر، تأثیرپذیری رفتارهای مجرمانه از متغیرهای مذکور را به تصویر می‌کشد و

بیانگر چگونگی تکوین شخصیت جنایی متأثر از شرایط فردی، خانوادگی، اجتماعی و زمانی است. این پژوهش از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی و با توجه به هدف آن، از نوع کاربردی محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارتکاب جرم در کودکی، تجربه طلاق یا فوت والدین، سابقه بزه‌دیدگی و خشونت، کار در کودکی، سابقه اعتیاد و انحراف در میان اعضای خانواده، معاشرت با هم‌سالان ناباب، برحسب میزان بتای محاسبه‌شده بر بروز رفتارهای مجرمانه جامعه آماری موردنظر اثرگذار بوده است. گفتنی است که محاسبات آماری با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. نسخه ۲۲ حاصل شده است.

واژگان کلیدی: پیش‌بین‌های جرم، تجربه‌های زیسته، زورگیری، قلدری خیابانی، رویکرد سبب‌شناختی.

مقدمه

وقایع و تجربه‌هایی که در روند زندگی به صورت ارادی و غیرارادی بر مجرمان حادث شده‌اند، سبب بروز اثرگذاری‌های متفاوتی بر ساختار فکری و کیفیت زندگی آن‌ها می‌شوند. به عبارت دیگر، توشه‌ی خاطرات و تجربه‌های زیسته در دوران کودکی در بردارنده‌ی مفهومی بسیار کلی است که گستره‌ی آن از افراد حاضر در محیط پیرامونی فرد تا نهادها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی گسترش می‌یابد. این توشه شامل پیوستگی خیره‌کننده‌ی نیروهای اجتماعی و ظرفیت اثرگذاری تجربه‌ها و خاطراتی می‌شود که تداعی آن‌ها در گذار از مراحل مختلف زندگی بر نحوه‌ی رفتار و کیفیت تصمیم‌گیری مجرمان اثرگذارند. از این رو، تمایل به ارتکاب رفتارهای مجرمانه را مانند ظهور هر رفتار هنجارستیز دیگری نمی‌توان انتزاعی، تصادفی و ناشی از شکل‌گیری آن‌ها در خلأ محسوب کرد، بلکه پیوستگی این تجربیات و تداعی خاطرات پیشین ناشی از توالی مراحل مختلف زندگی است که ایجادکننده‌ی ساختاری است که از مؤلفه‌هایی همچون: سن، خانواده، بستر فرهنگی، الگوهای یادگیری و تقلید، باورها، محیط پیرامونی و بسیاری موارد دیگر تأثیر می‌پذیرد. در این میان می‌توان تمرکز بر خاطرات سرکوب‌شده‌ی کودکی مجرمان را به معنای دنبال کردن خط سیری تصور کرد که ناگزیر از مطالعه‌ی مقاطع و مراحل مختلف زندگی آن‌ها به صورت افتراقی و اختصاصی است. با تمرکز بر تمام افت‌وخیزهای مسیری که مجرمان پیموده‌اند، گذار از مراحل مختلف زندگی آن‌ها و متصل کردن خط سیر حوادث و تجربیاتی که پشت‌سر گذاشته‌اند، می‌توان به الگویی سبب‌شناختی دست یافت که نشان می‌دهد مجرم به‌عنوان فردی با شیوه‌ی فکری، روانی و رفتاری نتیجه‌ی سبکی از زندگی است که گذار از گذرگاه‌های زندگی او را به چینی‌بندزده‌ای تبدیل کرده که با هر تلنگری ممکن است دوباره از هم جدا شود. امری که بیش از پیش ضرورت اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه و اهمیت مرحله‌ی اصلاح و بازپروری را گوشزد می‌کند.

این پژوهش درصدد است تا صرف‌نظر از ذکر تمام عوامل و بسترهایی که می‌توانند به‌عنوان مؤلفه‌های محرک و برانگیزاننده‌ی جرم قلمداد شوند، به معرفی یکی از وجوه اثرگذار در شکل‌گیری الگوهای شناختی ناهمنوا^۱ در مجرمان بپردازد. مؤلفه‌ای پیچیده و چندوجهی که متغیرهای گوناگونی

۱. الگوهای ناهمنوا برای افراد (مجرمان) واجد تأثیرات شناختی بوده به نحوی که می‌توانند تقویت‌کننده‌ی تصمیم آن‌ها برای ورود به ورطه‌های مجرمانه باشند، مانند تجربه‌ی خشونت‌دیدگی و بزه‌دیدگی در دوران کودکی و نوجوانی، وجود کانون‌های انحراف‌محور در خانواده و به عبارت دیگر، غالباً فرایند مشاهده‌گری، آموختن و تجربه ورزیدن منتهی به شکل‌گیری جنبه‌های شناختی از امور مؤثر و وجودبخشی می‌شود که به بروز امر دیگری (ارتکاب رفتارهای مجرمانه) عینیت می‌بخشد یا حداقل بستر تحقق آن را تا حد زیادی فراهم می‌سازند.

را در بطن خویش جای داده است. عاملی که توصیف‌کننده خاطرات سرکوب‌شده طیفی از محکومان به جرائم علیه اشخاص (زورگیران، خفت‌گیران و قلدان) بوده و به تبیین اهمیت و تأثیر این خاطرات بر تمایل آن‌ها برای ورودشان به مسیرهای مجرمانه است. مؤلفه مذکور را می‌توان صرفاً در قالب تمرکز بر یک بازه زمانی از کودکی تا پیش از ارتکاب جرم تعریف کرده و از منظر رویکردی میان‌رشته و سبب‌شناسانه^۱ آن را تفسیر کرد. امری که بر چند اصل بنیادی به‌عنوان پیش‌فرض استوار است: نخست، تجربه‌های اولیه در جریان زندگی بر روند انتخاب‌هایی که مجرمان در آینده انجام می‌دهند، اثرگذار است؛ دوم، الگوهای رفتاری که از محیط و اطرافیان اقتباس می‌شوند، محرک احساسات، افکار و واکنش‌های آن‌ها در موقعیت‌های مختلف خواهد بود. سرانجام آنکه، تمایل به فعالیت‌های مجرمانه و اصرار بر آن‌ها محصول فرایندی تدریجی و شاید تا حدودی پلکانی است؛ مسیری که در آن بزهکاری به مثابه یک شیوه رفتاری در متن زندگی و با مرور وقایع گذشته تعریف می‌شود.

در این پژوهش با تقسیم‌بندی مطالب به دو بخش اسنادی و آماری، نخست درصدد پرداختن به ارتباط میان عوامل زمینه‌ای با بروز خشونت‌های خیابانی و نزاع‌های فیزیکی از منظر نظریه‌هایی پرداخته شده است که با توجه به هدف پژوهش به اندازه کافی عمومیت و قابلیت انتساب داشته باشند و همچنین توان تبیین آن‌ها در قالبی فرایندمدار، تدریجی و پلکانی وجود داشته باشد. سپس در بوته آزمون و عمل، به انطباق یافته‌های توصیفی با اطلاعات میدانی تحصیل شده از جامعه آماری پرداخته می‌شود. به این ترتیب می‌توان بیان داشت آنچه پژوهش حاضر را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد، علاوه بر به‌کارگیری روشی پدیدارشناسانه، این است که علت‌ها و زمینه‌های موجد زورگیری و قلدری‌های خیابانی در سطوح متفاوت را نه تنها بر مبنای نظریه و تئوری بلکه از دریچه ذهنی مجرمان سابقه‌داری می‌نگرد که در حال تحمل دوره محکومیت خود در زندان بوده‌اند. در واقع یکی از وجوه تمایز پژوهش‌هایی که مبتنی بر روش اسنادی - پیمایشی هستند در شیوه به‌کارگیری و استفاده آن‌ها از مفاهیم نظری است؛ به این معنا که تحقیقات صرفاً کمی اغلب داده‌های خود را بر مبنای آزمون فرضیه‌های مستخرج شده از طریق گردآوری میدانی متکی می‌سازند. لذا، در پژوهش‌هایی که مبتنی بر شیوه پژوهشی آمیخته (ترکیبی) هستند از نظریه‌ها در جهت صورت‌بندی سؤال پژوهش، شناسایی مفاهیم بنیادی و ارتقای حساسیت نظری که به مثابه راهنمای مراحل مختلف تحقیق است، استفاده می‌کنند.

۱. مطالعه سبب‌شناختی در حیطه علوم رفتاری به معنای تبیین الگویی انتزاعی است که توصیف‌گر رویکردی علت‌شناسانه به بسترهای موجد یک رفتار است و به تحلیل ساختاری و بنیادین واکنش‌هایی می‌پردازد که در مواجهه با یک موقعیت روی داده است (یوسف‌زاده و لطفی مغانجوقی، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۴).

نکته حائز اهمیت در تمام منابعی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و در طرح‌ریزی مبنای این پژوهش نقش بسزایی داشتند، تمرکز بر شناسایی وجوه مربوط به ساختار شخصیتی مجرمان مورد مطالعه از دریچه معرفی کیفیت زندگی آن‌ها پیش از ارتکاب جرم بوده است. در اینجا چند نمونه به اختصار ذکر می‌شود: - سودابه رضوانی (۱۳۹۶)، در پژوهشی توصیفی با نام «مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی» بیان می‌دارد که تأکید بر واژه حالت خطرناک در مورد افراد به معنای مجموعه ویژگی‌ها و خصایص فردی اعم از ذاتی و اکتسابی است که احتمال ارتکاب جرم در آینده را بالا می‌برد. بنابراین مجرم خطرناک را نیز براساس یافته‌های جرم‌شناسی تخمینی می‌توان در چارچوب عوامل ریسک برای پیش‌بینی بروز رفتارهای مجرمانه در آینده قلمداد کرد.

- دیوید پی فارینگتون و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی ترجمه‌شده از دیوید پی فارینگتون و همکارانش، که در دانشگاه کمبریج و به شیوه فراتحلیل انجام گرفته، با عنوان «بزهکاری از کودکی تا اواخر میان‌سالی» با پذیرش عملی توجه به علت‌های مختلف در همه سطوح، جرم را در ارتباط با تغییراتی مطالعه کرده است که در طول زمان در افراد و شرایط زندگی‌شان ایجاد می‌شود. به این ترتیب اگر جرم‌شناسی کلاسیک تنها بر مبنای یکی از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی و وضعی پیش‌فرض‌های خود را بنا می‌سازد، رویکردهای متأخر با اعتقاد بر اینکه هیچ‌کدام از رویکردهای سنتی سابق نتوانستند توجیه کاملی از عوامل مؤثر بر تمایلات مجرمانه داشته باشند، درصدد برآمدند تا رویکردهای متفاوت و به ظاهر حتی متناقض را با یکدیگر پیوند دهند. آنچه در رویکردهای مذکور چشم‌نواز است از یک سو، انسجام معنایی و محتوایی به‌منظور درک اثرگذاری‌های متقابل و از دیگر سو، اهمیت توجه به توالی زمانی در تأثیرپذیری‌هاست. در واقع رویکردهای این‌چنینی هسته اولیه جستارهای خود را بر مطالعه تغییرات درون‌فردی مرتبط با بزهکاری در ادوار مختلف زندگی قرار می‌دهند.

- شکوه نوابی‌نژاد (۱۳۹۸)، در پژوهشی با نام «رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیش‌گیری و درمان نابهنجاری‌ها» به این موضوع اشاره می‌کند که افراد در طول زندگی خویش رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند که برخی بهنجار و برخی دیگر نابهنجار هستند، اما آنچه بیشتر از خود این رفتارها باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد، بسترهای محرک آن‌هاست که هر یک را باید برگرفته از یک الگو یا طرح‌واره ذهنی - تربیتی در زمان کودکی تلقی کرد.

- زیگموند فروید^۱ (2010)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره» که در این سال برای چندمین مرتبه تجدید چاپ شده است، با تمرکز بر رویکردی نظری با تحلیل مصادیق گوناگون از کنش‌پریشی، به تبیین سبب‌شناختی حیطه ناخودآگاه روان افراد می‌پردازد. منظور فروید از اصطلاح کنش‌پریشی، فراموشی غیرارادی و بازآفرینی آن در موقعیتی مشابه است. دلیل این تداعی خاطره پیشین، اجتناب از یادآوری تجربه‌ای دردناک در گذشته است که ارتباطی محتوایی با وضعیتی در اکنون دارد. فروید بیان می‌کند که با تحلیل مسیر رشد در هر فرد می‌توان به پیوستگی خاطرات و واقعیت‌هایی پی برد که وی زیسته و از پس آن متحمل آسیب شده و سپس در موقعیتی مشابه، ذهن آن را بازیابی کرده و به نحوی برابر یا شدیدتر تکرار کرده است.

- پاپ گاردیو^۲ (2018)، در پژوهشی توصیفی - تحلیلی با عنوان «بسترهای موجد انحرافات شدید در میان دختران و پسران نوجوان» به بررسی عوامل خطر کلیدی در سنین ده تا شانزده سالگی پرداخته و مؤلفه‌های پیش‌رس بزهکاری این طیف سنی را از منظر شش مقوله اصلی طبقه‌بندی کرده است. عواملی که عبارت‌اند از: شیطنت‌های ایام کودکی، مخاطره‌جویی، تمرکز ضعیف، محرومیت‌های اقتصادی، الگوهای تربیتی نادرست، نظارت‌های کم والدین بر نحوه گذران اوقات فراقت، پیشرفت تحصیلی کند و طلاق. عواملی که در پیش‌بینی بزهکاری پایدار آن‌ها بسیار مؤثر قلمداد شده‌اند.

- ویلیام پترسون^۳ (2019)، در پژوهشی فراتحلیل با عنوان «دست‌آورد والدین بدون چارچوب و نظارت» به مطالعه عوامل اثرگذار بر رفتارهای مجرمانه نوجوانانی پرداخته است که به دلیل زندگی در خانواده‌هایی با سابقه کیفری فعال، مسیر زندگی آن‌ها متأثر از الگوهای شناختی گذشته‌شان تغییرات شگرفی را در زمینه گرایش به ورطه‌های مجرمانه خطرناک متحمل شده بود.

بر این اساس، نوشتار حاضر در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است:

- آیا در پرتو تحلیل خاطرات سرکوب‌شده تعدادی از زورگیران و قلدان مورد مطالعه در پژوهش حاضر می‌توان به تبیینی چندوجهی در مورد چرایی و چگونگی تمایل به خشونت‌های خیابانی در میان این طیف از تابعان جامعه دست یافت؟

- مفروض نویسندگان در پاسخ به چنین پرسشی بر مبنای سه مؤلفه مطرح می‌شود:

۱. Sigmund Freud: زیگموند فروید این اثر را در سال ۱۹۸۵ برای نخستین بار منتشر کرد و پس از آن بارها تجدید چاپ شده است.

2. Pope Guardio

3. William Patterson

- تجربه‌ها و وقایع ناخوشایند گذشته بر انتخاب و بروز جرائم زورگیری و قلدری اثرگذار است.
- الگوهای یادگیری و مشاهدات ایام کودکی و نوجوانی بر انتخاب و بروز رفتارهای بزهکارانه این طیف از مجرمان اثرگذار است.

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی و با توجه به هدف، از نوع کاربردی است. جامعه آماری که مورد مطالعه قرار گرفته است تعدادی از محکومان به جرائم علیه اشخاص^۱ هستند که در حال تحمل دوران محکومیت خود در زندان تهران بزرگ (فشافویه) بوده‌اند. این تحقیق پیمایشی در سال ۱۴۰۰ انجام گرفته است و مجرمان مورد مطالعه مقیم در بندهای یک، سه و چهار زندان مذکور، از چهار طیف «مجرمان بار نخست»،^۲ مجرمان خطرناک^۳، مجرمان به‌عادت، مجرمان مصرّ^۴ انتخاب شده‌اند. داده‌های این مطالعه به روش میدانی (از طریق توزیع صد پرسش‌نامه مشتمل بر ۳۸ پرسش) و با پاسخ‌های ثابت، از طریق واحد مددکاری زندان تکمیل شده است.^۴

۱. مهم‌ترین جرائم ارتكابی توسط مرتکبان عبارت است از: مباشرت یا مشارکت در سرقت‌های مقرون به آزار، ضرب و جرح عمدی با چاقو و سایر سلاح‌های سرد یا گرم، تمرّد نسبت به مأموران و تهدید با چاقو یا سلاح گرم، قدرت‌نمایی در ملا عام، زورگیری، مشارکت در آدم‌ربایی، سرقت با قمه و خفت‌گیری، اخلال در نظم عمومی از طریق عربده‌کشی و ایجاد رعب و وحشت عمومی.

۲. منظور از مجرمان بارنخست، مرتکبانی هستند که تا پیش از دستگیری هیچ سابقه جنایی برای آن‌ها در نظام عدالت کیفری ثبت نشده است.

۳. مجرمان خطرناک دو دسته را دربر می‌گیرند:

- دسته نخست، مجرمان به‌عادت هستند و مرتکبانی را دربر می‌گیرد که با صفات مجرمانه آشکار یا پنهان در ساختار روانی‌شان مجنون محسوب نمی‌شوند. مجرمانی که مستمر مرتکب جرم شده و برای جامعه‌ای که در آن به‌سر می‌برند، خطرناک محسوب می‌شوند. این دسته معمولاً مرتکب جرائمی مانند ضرب و جرح، جرائم جنسی توأم با خشونت و یا تحریق می‌شوند.

- دسته دوم، مجرمان مصرّ هستند که از ظرفیت جنایی بالا و توانایی انطباق اجتماعی پایین با جامعه برخوردارند. این طیف بخشی از مجرمان حرفه‌ای را دربر می‌گیرند که غالباً در یک فاصله زمانی بیشتر از ده سال به نحو مستمر در ورطه مجرمانه فعالیت خواهند داشت.

- برای اطلاع بیشتر درمورد طیف‌بندی مجرمان ر.ک. عظیم‌زاده، ۱۳۹۰؛ نیازپور، ۱۳۸۷.

۴. بخش امور رایانه‌ای زندان تهران بزرگ پیش از توزیع پرسش‌نامه‌ها توسط واحد مددکاری زندان، فهرستی را در اختیار نگارندگان قرار داده است که مشتمل بر: نام و نام خانوادگی مرتکبان، محل نگهداری آن‌ها (اینکه در کدام یک از بندهای زندان ساکن هستند)، توضیحی درمورد حیطه جرائم ارتكابی‌شان (نوع جرم و شرح جرم)، تاریخ بازداشت مجرمان و نیز وجود سابقه یا عدم سابقه کیفری در آن‌ها بوده است.

برای تعیین روایی صوری پرسش نامه به روش کیفی و صحت و سقم سؤالات، در وهله اول پرسش نامه بین ده نفر از افراد خبره و متخصص (شامل مددکاران زندان، استادان و قضات) توزیع شد و پس از اطمینان از نتایج به دست آمده، در جامعه آماری پژوهش پخش شد. همچنین برای تعیین پایایی این پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. به این نحو که تعداد سی نفر از افراد جامعه هدف به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسش نامه ها نخست بین آنها توزیع و میزان آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با ۰/۷۵۷ به دست آمد و چون میزان آن از ۰/۷۰ بیشتر است یا به عبارتی به ۱ نزدیک است، نشان داده شد که پرسش نامه قابل اعتماد است.

ردیف	تعداد سؤالات	آلفا	N
۱	۳۷	۰/۷۵۷	۳۰

در این پژوهش از روش نمونه گیری متناسب با حجم طبقه استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه در این تحقیق با بهره گیری از فرمول کوکران با ۹۵ درصد اطمینان از تعداد ۱۰۵ نفر، به طور تقریبی صد نفر حجم نمونه به دست آمد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

فرمول کوکران:

۱. مبانی نظری خاطرات سرکوب شده در پرتو خوانشی سه رکنی

در تقابل با اندیشه هایی که تنها بر یک مرحله از زندگی مجرمان تمرکز می کردند، رویکردهایی شکل گرفتند که نگاهی فرایند محور داشتند. این رویکردها، استمرار و تغییرات رفتاری مبتنی بر شاخص زمان، الگوها و تجربیات مؤثر در گزینش سبک زندگی افراد را از جمله بارزترین مراکز ثقل تحقیقات خود می دانند و بروز رفتارهای مجرمانه را به مثابه پدیده ای مستعد تغییر و در قالب یک فرایند تعریف می کنند؛ فرایندی که با تمرکز بر نقش وقایع، تأثیر الگوهای تربیتی ناکارآمد و اهمیت یادگیری بر ساختار شخصیتی مجرم به تبیین فرایند نهادینه شدن شیوه های رفتاری خطرناک در او از منظر رویکرد نظری خاطرات سرکوب شده کودکی می پردازد. این نظریه نخستین بار توسط زیگموند فروید مطرح شده

است.^۱ فروید در این رهیافت به ترسیم وضعیتی می‌پردازد که در آن، مغز برای مدتی قادر به پرهیز از یادآوری رخدادهای آزاردهنده است تا به این وسیله افراد بتوانند تجربیاتی را که از نظر عاطفی ناخوشایندند موقتاً فراموش کنند و به‌صورت خودآگاه برای مدتی از ذهن منفک سازند و در لفاف مخصوصی از آن نگهداری کنند تا به این ترتیب بتوانند درد ناشی از آن تجربه را تعدیل کنند، لذا تجربه‌های آسیب‌زا جایی در وجود آن‌ها باقی می‌مانند و در زمانی دیگر خود را به‌صورت فشار روانی شدید، اختلال‌های جنسی، اختلال در خوردن، خودآزاری و درنهایت بزهکاری نمایان می‌سازند.^۲

نظریه خاطرات سرکوب‌شده در مراحل مختلف زندگی، به‌ویژه در دوران کودکی مبنای توجه در بسیاری از نظریه‌های روان‌شناختی پویایی است. اهمیت این رویکرد نظری به این دلیل است که می‌تواند منتهی به شکل‌گیری نوعی الگوی ذهنی مبتنی بر چارچوب‌های ساختی - کارکردی در افراد شود؛ به این نحو که تعیین می‌کنند چه نوع اطلاعاتی باید از حافظه بلندمدت بازنمایی شوند، چه اطلاعات جدیدی باید ادراک و چگونه پردازش شوند؛ موضوعی که با تکیه بر مناسباتی مانند علیت، اسنادپذیری و قابلیت پیش‌بینی مشخص می‌شوند. درواقع، الگوهای ذهنی ظرفیت تغییر و جانمایی دارند؛ یعنی در اثر تجربه تغییر می‌کنند یا بر بازیابی و پردازش اطلاعات جدید تأثیر می‌گذارند. نقش الگوهای ذهنی - رفتاری در روان‌شناسی رشد، آسیب‌شناسی روانی و درمان‌شناختی رفتاری، برای تبیین جایگاه اجتماعی افراد و کارکردهای حافظه معنایی، در مدل‌های ذهنی و شناخت اجتماعی مورد تأکید بسیار قرار گرفته است. به این ترتیب، مبنای نوشتار حاضر از این ایده نشئت می‌گیرد که اگر پدیده‌های اجتماعی محصول مجموعه‌ای از عوامل در موقعیت‌ها و سطوح مختلف فرض می‌شوند، در این صورت جرم را نیز به‌عنوان یک رفتار ضداجتماعی باید در امتداد یک مسیر دنبال کرد و فرایندی تدریجی و تکاملی را مبنای تحلیل خود قرار داد. تبیین نظریه خاطرات سرکوب‌شده و توصیف ارکان سه‌گانه در پرتو مرور رویکردهای مختلف نظری‌ای صورت پذیرفته است که تبیین‌کننده یک دوره زمانی از مسیر زندگی جامعه آماری این پژوهش است؛ امری که با هدف دستیابی به سنجه‌های آماری و شناسایی مؤلفه‌های بنیادی و مؤثر بر بروز رفتار مجرمانه گروه هدف انجام گرفته است.

۱. از این نظریه با عناوین متفاوتی مانند فراموشی آسیبی «traumatic amnesia»، گسستگی «dissociation»، فراموشی گسستگی «dissociative amnesia» و خاطرات سرکوب‌شده و بازیابی‌شده «repressed / recovered memories» نیز تعبیر می‌شود.

۲. همچنین برای اطلاعات بیشتر ر.ک. خواجه‌نوری، ۱۳۹۵: ۱۱۰۰-۱۱۰۱؛ Cheit, 2007.

۱ - ۱. رکن نخست؛ تجربه‌های زیسته

پیروان روان‌شناسی فروید، آدلر و یونگ^۱ بر این باور بودند که روان افراد به‌طور عام و ساختار شخصیتی آن‌ها به‌طور خاص، مشتمل بر دو بُعد ناخودآگاه و خودآگاه است (فروید، ۱۴۰۲: ۸۸). در واقع، فروید با تقسیم‌بندی عرصه روانی افراد بر سه سطح آن را این‌گونه ترسیم می‌کند: هشیاری ادراکی، نیمه‌آگاه و ناخودآگاه. سطح هشیاری بیانگر احساس‌ها، ادراک‌ها، اندیشه‌ها، تصورها و خاطراتی است که فرد در حال حاضر به آن‌ها آگاهی دارد. بخش دیگر از عرصه روان را قسمت نیمه‌آگاه به خود اختصاص می‌دهد و شامل رویدادها و حقایقی است که در کانون توجه قرار ندارند، اما به سهولت از حافظه قابل فراخوانی است. در نهایت سطح ناخودآگاه قرار دارد که قسمت عمده خاطره‌ها، تجربه‌ها، تکانه‌ها و داده‌های گذشته در این سطح جای گرفته است. عرصه ناخودآگاه در بردارنده دو قسمت است: قسمت نخست، آن‌هایی هستند که به هر دلیل فراموش شده‌اند؛ طیف دوم، مواردی هستند که به دلیل تعارض و اضطرابی که ایجاد می‌کنند، سرکوب شده‌اند و فعالانه از خودآگاه کنار گذاشته می‌شوند، رویدادهای فراموش‌شده معمولی به تدریج از حافظه فرد پاک می‌شوند و تأثیرهای بعدی اندکی بر ساختار شخصیت دارند. اما موارد سرکوب‌شده زنده باقی می‌مانند و به شیوه‌های مختلف دوباره خود را بازیابی می‌کنند.^۲ اهمیت تمرکز بر تجربیات زیسته و وقایع دوران کودکی در مجرمان و توصیف اثرات این تجربه‌ها بر شخصیت آن‌ها در دوران بزرگسالی به ترسیم وضعیتی می‌تواند منتهی شود که طی آن اگرچه مغز مجرمان برای مدتی قادر به پرهیز از یادآوری رخدادهای آزاردهنده است تا به این وسیله آن‌ها بتوانند تجربیاتی را که از نظر عاطفی برایشان ناخوشایند است موقتاً فراموش و به صورت خودآگاه برای مدتی از ذهن منفک سازند و به این وسیله بتوانند درد ناشی از آن تجربه‌ها را تعدیل کنند (Eassurvey, 2008: 38). لذا این گسستگی تا مرحله‌ای از زندگی امکان‌پذیر بوده و پس از آن درد ناشی از آن‌ها به شکل نوعی اختلال رفتاری، کجروی و یا جرم‌پدیدار خواهد شد (بارلو و دیوران، ۱۳۹۶: ۴۸). از منظر رویکرد مذکور تجربه‌های زیسته مجرمان، جایی در وجود انسان باقی می‌ماند تا در جایی دیگر تولید بیماری، نابهنجاری و جرم کند. در این ارتباط، نظریه‌ای در روان‌شناسی مطرح می‌شود با عنوان «نظریه روان‌پویایی بزهکاری»، که به جای تأکید بر عوامل زیستی یا رفتاری در تبلور بزهکاری، بر متغیرهای مربوط به پویایی درونی تأکید دارد که نتیجه تأثیرات برگرفته از پیش‌آمدهای زندگی است (ستوده و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۰). فروید

1. Adler & Yung

۲. زیگموند فروید در رابطه با خاطرات سرکوب‌شده تحقیقات مستمر و طولانی مدتی داشته است و به نوعی این اصطلاح منتسب به اوست (برای اطلاع بیشتر در این مورد ر.ک. فروید، ۱۳۹۵: ۵۵).

شخصیت انسان را به مثابه قطعه یخ بسیار بزرگی^۱ در نظر می‌گیرد که تنها بخش کوچکی از آن آشکار و در سطح هشیاری قرار گرفته است و بخش عمده آن زیر آب یعنی در ناخودآگاه قرار دارد. این بخش عرصه وسیعی از خواسته‌ها، تمایلات، انگیزه‌ها و عقاید فروبسته‌ای است که فرد از آن‌ها آگاهی ندارد، ولی درحقیقت تبیین‌کننده رفتارهای امروز او هستند (سیاسی، ۱۳۹۹: ۹۵).

برای تبیین میزان اثرگذاری عوامل موجد خطر در شکل‌گیری شخصیت جنایی و تکوین آن در بستر زمان، ژان پیناتل و پیل بوزا^۲ شخصیت جنایی^۳ را این‌گونه تعریف می‌کنند: «حالت و وضعیت فردی که متأثر از شرایط پیرامونی خویش خارج از حوزه هنجارها و ارزش‌های حاکم قرار گرفته است» (Trifue, 2013: 190-198). وجود شرایط و بسترهایی مانند؛ تجربه‌های ناخوشایند ناشی از زیست‌بوم نامناسب، سرخوردگی‌های فرهنگی ناشی از مهاجرت، ناپختگی روانی و بالینی، محرومیت عاطفی و اجتماعی، شکست تحصیلی، فرار از مدرسه، گسست خانوادگی یا روابط قهرآمیز با والدین و دوستان که هر یک به تنهایی یا در کنار سایر عوامل می‌توانند فرد را دچار خلأ هنجاری و شخصیتی کنند. عواملی که از یک سو، به مثابه متغیرهای شخصیت جنایی محسوب شده و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند و از دیگر سو، بر کیفیت و نحوه ارتکاب جرم نیز مؤثر واقع می‌شوند (Ware & Matsuo, 2010: 27).

پیناتل بر این باور بود که میان بزه‌کاران و ناکردگان بزه از نظر ماهوی تفاوت اساسی وجود ندارد، زیرا به باور او، افراد یک هسته مرکزی شخصیت^۴ دارند که امکان ابتلای آن به وصف جنایی همیشه وجود دارد.^۵ در نظریه شخصیت جنایی - که بیشتر جنبه روان‌شناختی دارد - ابعادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که این امکان را به افراد می‌دهند تا از اندیشه مجرمانه به بستر عمل برسند.^۶ بر این اساس، در این قسمت تلاش شده است تا برای دستیابی به تبیین جرم‌شناختی از اهمیت و تأثیر رکن تجربه‌اندوزی در نظریه خاطرات سرکوب‌شده بر تمایل جامعه آماری به ورطه زورگیری و قلدری صرفاً چند مورد از باب تمثیل به تصویر کشیده شود.

۱. برای اطلاع بیشتر درمورد تشبیه کوه یخ از زیگموند فروید ر.ک. فروید، ۱۴۰۲؛ نیز فروید، ۱۳۹۶.

2. Jean Pinatel & Pierre Bouzat

3. criminal personality

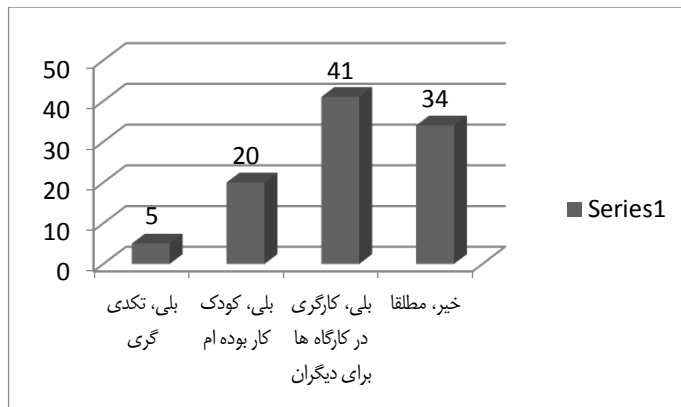
4. the core of the character

۵. برای آشنایی بیشتر با نظریه شخصیت جنایی ژان پیناتل ر.ک. نوربها، ۱۳۹۲: ۱۸۵؛ دانش، ۱۳۹۳: ۳۸۷؛ نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۳: ۹۶.

۶. رهیافت شخصیت جنایی مبتنی بر نظریه گذار از اندیشه به عمل مجرمانه است. طرح و اندیشه مجرمانه به جز در موارد استثنایی واجد ضمانت اجرای کیفری نیست لذا در شاخه‌ای از جرم‌شناسی موسوم به واکنش اجتماعی، اندیشه مجرمانه حائز اهمیت است، زیرا چنانچه زمینه و بستر مناسب برای آن فراهم شود به مرحله عمل در می‌آید. تشخیص این امر در مطالعات بالینی موجب پیشگیری از طریق اصلاح و بازپذیری می‌شود (برای اطلاع بیشتر در این رابطه ر.ک. نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۰-۱۳۸۱).

نمودارهای زیر که ابزار گردآوری آن آمار توصیفی بوده است، جهت ارزیابی میزان تأثیر متغیر تجربه زیسته در جمعیت نمونه با سابقه محکومیت به زورگیری، خفت‌گیری، سرقت به عنف و قمه‌زنی^۱ ارائه می‌شود.

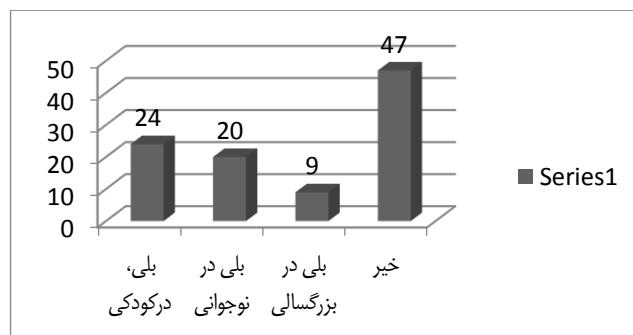
۱-۱-۱. متغیر نخست: تجربه کار در کودکی



نمودار ۱: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب تجربه کار در کودکی

اطلاعات نمودار ۱ نشان‌گر این است که بیشتر پاسخ‌گویان با ۳۴ درصد جمعیت نمونه در کودکی مجبور به کار کردن نبودند، ۶۱ درصد تجربه کار در کودکی داشته‌اند و ۵ درصد جمعیت نمونه نیز به تکی‌گری مشغول بوده‌اند.

۱-۱-۲. متغیر دوم: تجربه فوت و طلاق والدین

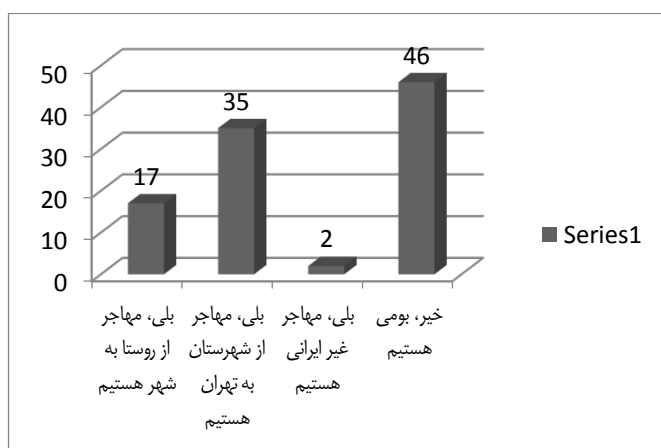


نمودار ۲: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان برحسب تجربه فوت و طلاق والدین

۱. نوشتار حاضر برگرفته از پژوهشی بسیار گسترده‌تر بوده است که در اینجا با رویکردی اختصاصی - افتراقی صرفاً در حیطه جرمایی خاص مورد ارزیابی قرار گرفته است.

اطلاعات نمودار ۲ نشانگر این است که بیشتر پاسخ‌گویان با ۴۷ درصد جمعیت نمونه، تجربه فوت و طلاق والدین نداشتند، ۴۴ درصد این تجربه را در کودکی و نوجوانی متحمل شده‌اند و ۹ درصد جمعیت نمونه نیز در بزرگسالی چنین تجربه را پشت سر گذاشته‌اند.

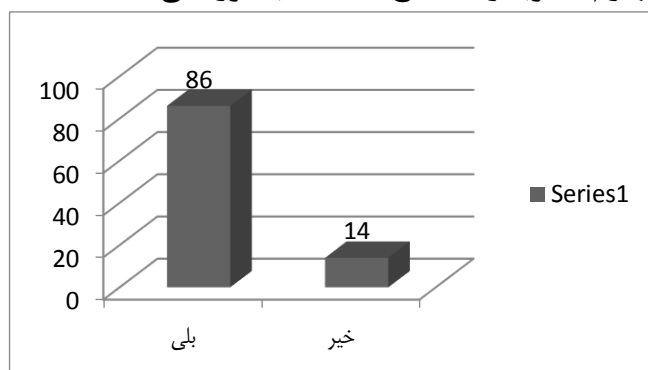
۱-۱-۳. متغیر سوم: تجربه مهاجرت



نمودار ۳: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان برحسب تجربه مهاجرت

اطلاعات نمودار ۳ نشانگر این است که بیشتر پاسخ‌گویان با ۴۶ درصد جمعیت نمونه بومی بوده‌اند و تجربه مهاجرت نداشتند، این در حالی است که ۵۴ درصد جمعیت نمونه، مهاجر هستند.

۱-۱-۴. متغیر چهارم: تجربه واقعه تلخ گذشته (به‌طور کلی)



نمودار ۴: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان برحسب تجربه واقعه تلخ گذشته

اطلاعات نمودار ۴ نشانگر این است که ۸۶ درصد جمعیت نمونه در گذشته اتفاقات تلخی را تجربه کرده‌اند که قادر به فراموش کردن آن (آن‌ها) نیستند و ۱۴ درصد جمعیت نمونه فاقد چنین تجربه‌ای بوده‌اند.

۱-۲. رکن دوم؛ الگوها، آموخته‌ها و مشاهده‌گری‌ها

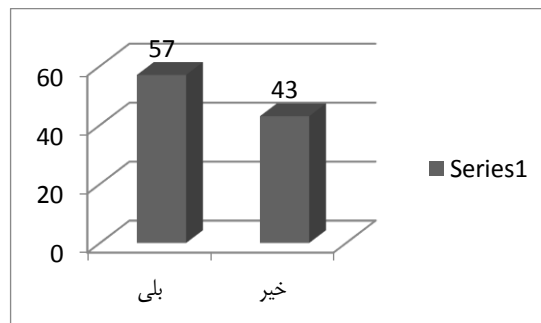
در راستای توجه به عواملی که زمینه‌ساز رفتارهای مجرمانه در بستر زمان هستند، غالباً ویژگی‌های منتسب به سرشت نقش ناچیزی در شکل‌گیری این طیف رفتارها داشته است، زیرا ایجاد، استمرار و حتی تغییر نگرش‌ها در افراد اصولاً اکتسابی و آموختنی هستند. نگرش‌ها و الگوهای مذکور برای مباشر خود کنش‌های مهمی به دنبال می‌آورند، برای مثال در پردازش اطلاعات اجتماعی به او کمک می‌کنند و به وی این امکان را می‌دهند تا به ابراز ارزش‌های اساسی خود بپردازد. نگرش‌ها را می‌توان از دو طریق کسب کرد: نخست، به‌طور غیرمستقیم از اشخاص دیگر و به شیوه یادگیری؛ دوم، به صورت مستقیم و از طریق مشاهدات. درواقع، کسانی که در محیط‌های جرم‌زا یا خشونت‌بار زندگی می‌کنند، ابتدائاً در چارچوب الگوسازی مرتکب جرم می‌شوند نه از روی نیاز (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۴۴۴). در همین رابطه گزل^۱، پدر روان‌شناسی کودک، به متغیرهای تقلید و یادگیری این‌گونه اشاره می‌کند: شخصیت کودک در پنج، شش سالگی نسخه کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد شد. فرزندان که از مهر و محبت پدر و مادری محروم مانده‌اند یا عموماً در عین برخورداری از نعمت والدین، دچار بدسرپرستی هستند، غالباً با کوله‌باری از نگرانی، ناکامی، شکنندگی و توشه‌ای از تجربه‌ها و آموزه‌های منفی روانه جامعه می‌شوند. اهمیت پرداختن به محیط‌های خانوادگی نابسامان تا به آنجاست که فارینگتون و وست^۲ در نظریه‌ای با عنوان «پسرانی شبیه پدران»^۳ به کارکرد خانواده و نقش والدین بر تربیت کودکان اشاره کرده‌اند و بر شباهت‌های مبتنی بر یادگیری متمرکز شدند. آن‌ها تشابه را به معنای انتقال وراثتی و ژنتیکی نمی‌دانند، بلکه از یک سو، آن را نتیجه الگوهای یادگیری در سنین پایین و نهادینگی این الگوها به‌عنوان رفتار غالب در شخصیت افراد تلقی می‌کنند و از دیگر سو، این شباهت‌ها را نشان‌گر تأثیر تجربه‌های بد دوران کودکی بر رفتارهای ناهم‌نوی بزرگ‌سالی می‌دانند. آن‌ها در تحقیق بلندمدت خود، دریافتند که وجود سابقه انحراف در میان اعضای خانواده، در بزهکاری آینده اشخاص می‌دانند (یان مارش و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

1. Gezle
2. Farrington & West
3. boys like fathers

به این ترتیب، با طرح مبانی یادگیری فرایندی ترسیم می‌شود که حرکت در طول آن، چگونگی شکل‌گیری و تداوم هر رفتاری را مبتنی بر نوعی آموزه که یادگرفتنی است، در اذهان متبلور می‌سازد. ادوین ساترلند^۱ در باب رفتارشناسی مجرمان بر این باور است که رفتار مجرمانه نیز یاد گرفته می‌شود. او تصویری را که از رفتار ضداجتماعی در ذهن مجرم ترسیم شده است، همانی تلقی می‌کند که وی متعاقباً آن را در نتیجه تعامل و میان‌کنش با دیگران آموخته است. یادگیری اجتماعی به نوعی نسخه گسترش‌یافته رهیافت معاشرت ترجیحی است که نقاط عمده تأکیدش بیشتر بر سه گزاره متمرکز است: میزان معاشرت، شدت معاشرت و سن معاشرت (ویلیامز، ۱۳۹۳: ۳۱۹). در واقع اشاعه و تکثیر اندیشه‌ها، گرایش‌ها و الگوهای رفتاری در میان این طیف از تابعان جامعه نیز از طریق کنش‌های متقابل اجتماعی و در مواردی بدون تعمق منطقی روی می‌دهند و این همان اتفاقی است که گوستاولوبون^۲ از آن به واگیری اجتماعی^۳ تعبیر می‌کند؛ نظریه‌ای که قرار گرفتن افراد در گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف را در شکل‌گیری مبنای اندیشه و عمل آن‌ها مؤثر می‌داند، به نحوی که منتهی به نوعی برانگیختگی رفتاری در آن‌ها می‌شود (روسک و وارن، ۱۳۷۰: ۹۵). در این قسمت تلاش شده است تا برای دستیابی به تبیینی جرم‌شناختی از اهمیت و تأثیر رکن یادگیری و مشاهده‌گری در نظریه خاطرات سرکوب‌شده و چگونگی اثرگذاری آن بر روند تمایل جامعه آماری به ورطه زورگیری و قلدری چند نمونه آورده شود.

نمودارهای زیر که ابزار گردآوری آن آمار توصیفی است، جهت ارزیابی میزان تأثیر متغیر یادگیری و مشاهده‌گری در میان جمعیت نمونه با سابقه محکومیت به زورگیری، خفت‌گیری، سرقت به عنف و قمه‌زنی ارائه شده است.

۱-۲-۱. متغیر نخست: یادگیری رفتارهای مجرمانه از کانون خانواده



نمودار ۵: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان برحسب سابقه انحراف و جرم در خانواده

1. Edwin Hardin Sutherland
2. Gustavlubon
3. social contagion

اطلاعات نمودار ۵ نشانگر این است که ۵۷ درصد جمعیت نمونه از خانواده‌ای با سابقه کیفری و ۴۳ درصد جمعیت نمونه فاقد چنین تجربه‌ای بوده‌اند.

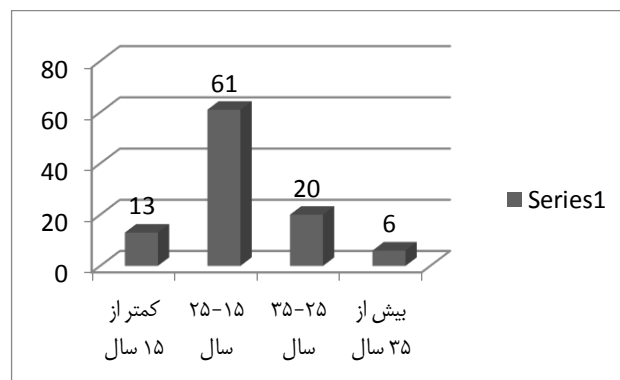
۱-۲-۲. متغیر دوم: یادگیری رفتارهای مجرمانه ناشی از معاشرت با همسالان ناباب



نمودار ۶: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان برحسب پیشینه معاشرت با همسالان ناباب

اطلاعات نمودار ۶ نشان‌گر این است که ۶۸ درصد جمعیت نمونه دوستانی با سابقه کانون یا زندان داشته‌اند و ۳۲ درصد از آن‌ها فاقد دوست یا دوستانی دوستی با سابقه کیفری بوده‌اند. در واقع بیش از نیمی از مجرمان زورگیر از طریق معاشرت با همسالان ناباب، مسیرهای مجرمانه را آموخته و فراگرفته‌اند.

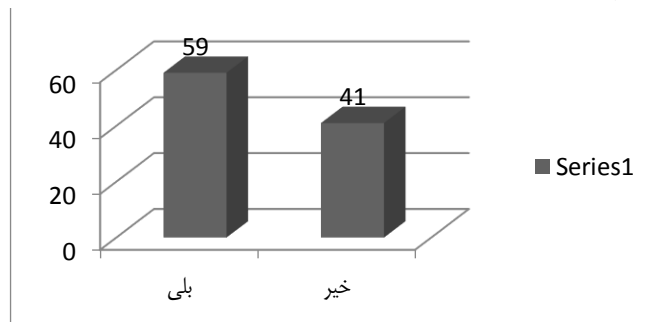
۱-۲-۳. متغیر سوم: یادگیری رفتارهای مجرمانه از طریق تأثیر سابقه کانون اصلاح و تربیت



نمودار ۷: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان برحسب شاخص سن در اولین محکومیت

اطلاعات نمودار ۷ نشان‌گر این است که بیشتر پاسخ‌گویان با تعداد ۶۱ درصد جمعیت نمونه سنشان در اولین محکومیت بین ۱۵ تا ۲۵ سال بوده است و تعداد ۶ درصد از میان آن‌ها سنشان در اولین محکومیت بیش از ۳۵ سال بوده است. همچنین آمار مستخرج از نمودار ۷ حاکی از آن است که در کل ۷۴ درصد از پاسخ‌گویان تا پیش از ۲۵ سالگی سابقه انحراف و جرم داشته‌اند. بنابراین متغیر سن بر استمرار رفتارهای مجرمانه از طریق مشاهده، الگوبرداری و تجربه‌های پیش‌رس اثرگذار است.

۱-۲-۴. متغیر چهارم: یادگیری اعتیاد بر حسب سابقه استفاده اعضای خانواده از مواد مخدر



نمودار ۸: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان بر حسب اعتیاد به مواد مخدر در خانواده

اطلاعات نمودار ۸ نشان‌گر این است که ۵۹ درصد جمعیت نمونه اعضای خانواده‌شان سابقه اعتیاد به مواد مخدر داشته و ۴۱ درصد جمعیت نمونه فاقد چنین تجربه‌ای بوده‌اند.

۱-۳. رکن سوم: فرایند هویت‌پذیری مجرمانه

فرایند هویت‌پذیری را می‌توان در قالب رویکردی روان‌شناختی تحت عنوان «روابط ابژه»^۱ به تصویر کشید. نظریه‌ای که مشخصاً به چگونگی درونی‌سازی نگرش‌های فردی در قبال خود، دیگران و درنهایت شیوه تأثیر این نگرش‌ها بر تعیین روابط جدید اشاره داشته و به نحوی توصیف‌گر اهمیت «موقعیت بر فرد» است. آبژه‌سازی به توصیف این امر می‌پردازد که چگونه آنچه «بیرونی» است، «درون» را شکل می‌دهد. دنیای درون چگونه به ساختاری تبدیل می‌شود که برگردانی از تعامل و میان‌کنش با افراد است (والش، ۱۳۹۳: ۱۰۶). روابط آبژه بر مسیری متمرکز است که سه مؤلفه بنیادین در درون خود جای داده است؛ دلبستگی،^۲ درون‌فکنی^۳ و بازنمایی.^۴

1. object relations theory
2. attachment
3. introjection
4. representation

- دلبستگی: این واژه در نظریه‌ای رشدشناختی ریشه دارد که توسط جان بالبی^۱ مطرح شده است. او معتقد است که اختلال در پیوند مادر و نوزاد و تنها گذاشتن کودک در حال رشد توسط والدین (به خصوص مادر) علت شکل‌گیری بخش عمده‌ای از موارد بزهکاری‌های پیش‌رس و تکرار آن است. به نظر بالبی این وضعیت نوع «دلبستگی ناایمن»^۲ در کودک پدید می‌آورد. در واقع او ارتکاب رفتارهای مجرمانه را به‌عنوان ابزاری جایگزین برای رسیدن به نوعی احساس رضایت^۳ ناشی از جلب توجه در مجرمان قلمداد می‌کند که در شرایط عادی می‌تواند محصول عواطفی چون دوست داشته شدن و نوازش کردن باشد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۳۰۶).

- درون‌فکنی: به معنی جذب روانی خصوصیات دیگران است. در روان‌شناسی گاهی این فرایند را سازوکار دفاعی (درونی کردن یا نهادینه‌سازی) می‌نامند، برای مثال: اگر کودک از والد پرخاشگر بترسد، ممکن است خصوصیت پرخاشگری را بگیرد و درونی کند تا بتواند رفتار والد را بهتر بشناسد و پیش‌بینی کند. در توصیفی اقتراقی؛ درون‌فکنی به فرایندی اشاره دارد که به‌وسیله آن می‌توان تصویر دیگران (مراقبان) را در غیاب آن‌ها در درون خود تثبیت کرد. در واقع فرایند مذکور همان اصطلاحی است که در جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی تحت عنوان خودپنداره^۴ از آن تعبیر می‌شود با این تفاوت که در حیطه جرم‌شناسی، فرایند درون‌فکنی ناشی از تصویر جدیدی است که بزهکار در نتیجه قضاوت جامعه از خود در درون خود نهادینه می‌سازد و باور می‌کند که این چنین است.^۵ لذا در روان‌شناسی شخصیت، فرایند درون‌فکنی ناشی از تثبیت خصوصیت منفی (خسونت) دیگری در خود و سپس باور خویشتن در آن کالبد است. این فرایند همان موضوع شایع در بزه‌دیده‌شناسی است مبنی بر اینکه معمولاً کودکان آزاردیده خود در آینده والدین آزارگر خواهند بود (معظمی، ۱۳۹۰: ۱۳۹)؛ به این معنا که بزه‌دیده خسونتی را که متحمل می‌شود، می‌آموزد و آن را در موقعیتی مشابه بازآفرینی می‌کند.

1. John Bowlby

2. insecure attachment

3. gratification

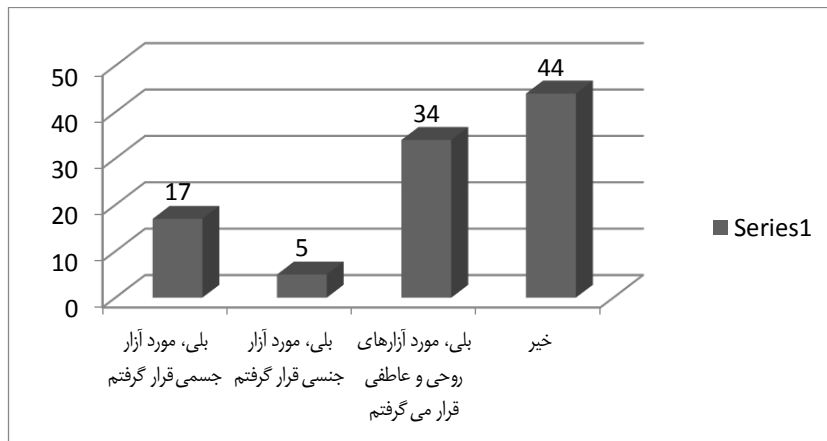
4. self concept

۵. چارلز هورتن کلی (C.H.Cooley) اصطلاحی تحت عنوان خودآینه‌ای (looking glass self) را به‌کار برد، برای نشان دادن این معنی که افراد خود را در آینه تصور دیگران از خویش می‌سازند و باور می‌کنند کولی بر این باور است که مفهوم «خود» نخست در دوران کودکی شکل می‌گیرد و سپس در طول زندگی هر زمان که شخص وارد موقعیت اجتماعی جدیدی می‌شود، دوباره آن مفهوم را ارزیابی می‌کند. او مفهوم خودآینه‌ای را بر سه اصل متکی می‌داند: ۱. ظاهر فرد به چشم دیگری چگونه می‌نماید؛ ۲. داوری آن‌ها در مورد این فرد چگونه است؛ و ۳. چه احساسی در او از نحوه نگرش دیگران شکل می‌گیرد؟ غرور یا سرشکستگی ... (آیزن، ۱۳۹۰: ۷۴).

- بازنمایی: به نتیجه درون‌فکنی اشاره دارد و گاهی مانند یک تصویر ذهنی^۱ است؛ تصویر درونی شده‌ای که غالباً ناآگاهانه از دیگران در ذهن کودک شکل می‌گیرد و با عواطف و احساسات او عمیقاً درگیر می‌شود. نتیجه ایجاد این تصویر ذهنی، تبلور احساسات منفی نسبت به دیگران خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که روابط ابژه به پیدایش مجموعه‌ای از نگرش‌های نهادینه‌شده از خود و دیگران منتهی می‌شود. تعاملات کودک با مراقبانش و الگوهای رفتاری ارائه‌شده توسط اطرافیان، اهمیت بسزایی در تعیین روابط ابژه او با دیگران در آینده خواهد داشت (ستوده، ۱۳۹۹: ۱۳۳).

نمودار ۹ که ابزار گردآوری آن آمار توصیفی است، جهت ارزیابی میزان تأثیر متغیر هویت‌پذیری مجرمانه در مجرمان حیطة زورگیری، خفت‌گیری، سرقت به عنف و قمه‌زنی ارائه می‌شود.

۱- ۳- ۱. متغیر نخست: هویت‌پذیری مجرمانه از طریق تجربه خشونت و بزه‌دیدگی در کودکی و نوجوانی

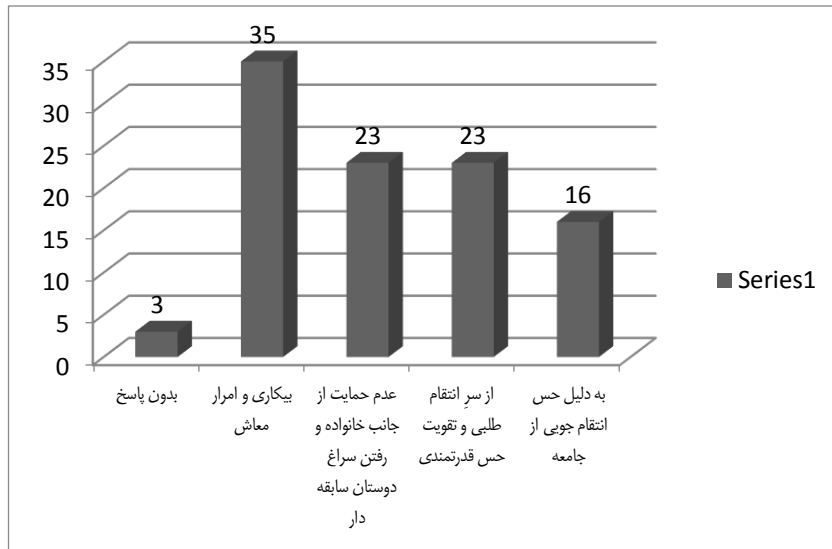


نمودار ۹: توزیع فراوانی و درصدی پاسخ‌گویان برحسب تجربه بزه‌دیدگی و خشونت

اطلاعات نمودار ۹ نشان‌گر این است که بیشتر پاسخ‌گویان با ۴۴ درصد جمعیت نمونه در کودکی تجربه بزه‌دیدگی نداشته‌اند و ۵۶ درصد آن‌ها تجربه طیف‌های سه‌گانه بزه‌دیدگی (جنسی، جسمی و عاطفی) را در کودکی متحمل شده‌اند. با توجه به آمار مستخرج از نمودار ۹، محرز می‌شود که تجربه بزه‌دیدگی و خشونت در سنین کودکی و نوجوانی به نوعی پذیرش خشونت، درونی‌سازی آن و درنهایت بازنمایی آن در موقعیتی مشابه به شکل خشونت‌تی که در کودکی به جامعه آماری پژوهش حاضر روا شده، منتهی بوده است.

1. mental picture

۱ - ۳ - ۲. متغیر دوم: هویت‌پذیری مجرمانه بر حسب نهادینگی احساس خشم و انتقام نسبت به جامعه



نمودار ۱۰: فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب نهادینگی احساس خشم و انتقام نسبت به جامعه

۲. یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحصیل‌شده در پژوهش حاضر از آمار تحلیلی به صورت استنباطی استفاده شده و در آزمون فرضیه‌ها روش رگرسیون به کار گرفته شده است؛ امری که مبین اولویت‌بندی متغیرها بر مبنای میزان اثرگذاری‌شان است.

ساختار نظری پژوهش در دو سطح جمعیت‌شناختی و جرم‌شناختی بر مبنای داده‌های میدانی مورد پیمایش قرار گرفته است:

- سطح نخست: داده‌های جمعیت‌شناسی (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، و شغل)؛
- سطح دوم: داده‌های جرم‌شناسی (وجود سابقه اعتیاد یا انحراف در میان اعضای خانواده، سابقه خشونت و بزه‌دیدگی، میزان ارتباط با دوستان سابقه‌دار، سابقه کیفری پیش‌رس، اشتغال، میزان و کیفیت نظارت والدین، رزومه تحصیلی و علت ترک تحصیل، نحوه گذراندن اوقات فراغت).

۲-۱. مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی

در این بخش به تشریح آمار توصیفی افراد پاسخ‌دهنده در جامعه آماری (برحسب چهار مؤلفه سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، و شغل) پرداخته می‌شود. نحوه چیدمان پرسش‌ها برای نمایش آمار توصیفی در میان جمعیت نمونه بر مبنای مؤلفه‌هایی صورت گرفته است که در طول نوشتار حاضر به‌عنوان عوامل پیش‌بین جرم معرفی شده‌اند.

براساس پژوهش حاضر، داده‌های آماری نشان‌گر این است که بیشترین میزان فراوانی معیار سن در میان پاسخ‌گویان با تعداد شصت نفر یا ۶۰ درصد جمعیت نمونه متعلق به رده سنی ۱۹ تا ۳۱ ساله است و کم‌ترین میزان فراوانی با تعداد شش نفر یا ۶ درصد جمعیت نمونه در رده سنی ۴۴ تا ۵۶ سال قرار دارند. همچنین بیشترین میزان فراوانی در شاخص تحصیلات پاسخ‌گویان با تعداد ۴۱ نفر یا ۴۱ درصد جمعیت نمونه دبیرستانی بوده‌اند و کم‌ترین میزان فراوانی با تعداد پنج نفر یا ۵ درصد جمعیت نمونه تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. در مورد متغیر تأهل نیز داده‌ها مؤید این مطلب هستند که از میان پاسخ‌گویان ۶۵ درصد افراد مجرد و ۳۵ درصد متأهل بوده‌اند. همچنین، بیشتر پاسخ‌گویان با تعداد ۳۶ نفر یا ۳۶ درصد جمعیت نمونه دارای شغلی با درآمد متوسط بوده‌اند و تنها تعداد نه نفر یا ۹ درصد جمعیت نمونه، شغلی با درآمد خیلی خوب داشته‌اند و در نهایت ۵۵ نفر یا ۵۵ درصد جامعه آماری را افرادی با درآمد بسیار کم یا بیکار تشکیل داده‌اند.

۲-۲. مؤلفه‌های جرم‌شناختی

۲-۲-۱. آمار استنباطی

تحلیل فرضیه پژوهش: با مطالعه روند زندگی زورگیران، خفت‌گیران، قلدران خیابانی و سارقان به عنف به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش مشخص می‌شود که:

- مجرمان محصول امروز نیستند، بلکه درون‌مایه‌های ذهنی آن‌ها و ساختار شخصیتی‌شان برآمده از الگوهای یادگیری و معاشرت‌های عمیق و مستمر او، کیفیت هویت‌پذیری‌های برگرفته از تعلقات فردی - خانوادگی و اجتماعی، تجربه‌ها و وقایع ناخوشایندی است که آن‌ها در کودکی و نوجوانی خویش زیسته‌اند.

به این ترتیب، تمرکز این فرضیه بر شناسایی و معرفی عوامل پیش‌بین رفتارهای مجرمانه مبتنی بر مطالعه خاطرات سرکوب‌شده دوران کودکی در میان جمعیت زورگیران و قلدران خیابانی است که

۱. گفتنی است که زندان تهران بزرگ فقط محکومان مرد را در خود جای داده است، بنابراین این پژوهش صرفاً در میان مجرمان مرد انجام شده و به این دلیل معیار جنسیت در متغیرهای جمعیت‌شناختی قید نشده است.

به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش مورد سنجش پیمایشی قرار گرفته‌اند. نگارنده بر مبنای این فرضیه، میزان اثرگذاری متغیرها بر جامعه آماری را به آزمون گذاشته و مستنبط از آن سه جدول ارائه داده است که توصیف‌گر بیشترین اثر، کم‌ترین اثر و اثرگذاری متوسط می‌شود:

۲-۲-۲. نیکویی برازش مدل نظری: آزمون رگرسیون چندگانه به روش گام به گام ۱-۲-۲-۲. تحلیل رگرسیون چندگانه^۱

در تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بینی‌کننده جرائم زورگیری و قلدری‌های خیابانی بر اساس اهمیت آن‌ها در تبیین بزهکاری وارد معادله می‌شوند. جهت وارد شدن متغیرها در معادله رگرسیون، باید متغیرها در سطح فاصله‌ای باشند. به همین جهت متغیرهایی که در سطح سنجش کیفی مورد آزمون قرار گرفته‌اند، با استفاده از متغیرهای ظاهری^۲ به متغیرهای فاصله‌ای تبدیل شده‌اند. در رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام^۳ تا جایی متغیرها وارد معادله می‌شوند که دیگر کمکی به پیش‌بینی این طیف از جرائم نکنند و سطح معناداری آن‌ها به ۰/۰۵ برسد.

طبق خروجی رگرسیون چندگانه در مرحله نخست، متغیرهایی قرار گرفته‌اند که از بالاترین میزان فراوانی در میان جامعه آماری برخوردار بوده‌اند، مؤلفه‌های مذکور عبارت‌اند از: ارتکاب جرم در رده سنی حساس، وضعیت اشتغال مجرم، وضعیت تحصیلی مجرم، سابقه انحراف و اعتیاد در خانواده، سطوح نظارت والدینی، فاصله بین محکومیت‌ها (بازگشت‌ها و تکرارهای مجرمانه)، مهاجرت، وضعیت اقتصادی خانواده، سابقه کانون اصلاح و تربیت، نظارت‌های فردی و اجتماعی، شیفت‌های دردرساز دوران کودکی، سابقه بزه‌دیدگی و خشونت، دفعات بزه‌دیدگی، کار در کودکی، سابقه اعتیاد مجرم، دوستان بزهکار، واقعه تلخ گذشته به‌طور کلی، ترک تحصیل، تجربه طلاق و فوت والدین و دلایل ارتکاب جرم نخستین که همچنان در معادله با بیشترین میزان اثرگذاری بر تمایل به سمت مسیرهای مجرمانه در معادله باقی مانده‌اند. در مرحله دوم، فرار از منزل و گرایش مجرمانه در خانواده، قرار گرفته‌اند به‌عنوان متغیرهایی که بار اثرگذاری آن‌ها بر جمعیت نمونه به میزان متوسط بوده است. در نهایت مرحله سوم که معرف تأثیر جرم سابق بر جرم کنونی، سرپرست خانواده و تجربه حضور نامادری و ناپدیری جانمایی شده‌اند. عواملی که به‌عنوان پیش‌بین رفتارهای مجرمانه در میان مرتکبان زورگیری و قلدری‌های خیابانی

1. multiple regression analysis
2. dummy variable
3. stepwise

از کم‌ترین میزان اثرگذاری در میان جامعه آماری برخوردار بوده‌اند، به عبارت دیگر، از معادله رگرسیون خارج شده‌اند. همانطور که از جدول ۱ بر می‌آید، تحلیل رگرسیون بر مبنای روش گام به گام یا قدم به قدم برای ترسیم جدول نخست، تا ۲۱ گام پیش رفته است.

تحلیل مبتنی بر آمار استنباطی جدول نخست

میزان F در جدول اول یعنی جدول Anova در سطح ۹۹ درصد ($\text{sig} = 0/000$) مبین وجود ارتباط هم‌بستگی میان متغیرهای مذکور با ارتکاب جرائم زورگیری و قلدری‌های خیابانی در جامعه آماری پژوهش است؛ موضوعی که حاکی از معنی‌دار بودن معادله رگرسیون است. اما قضاوت در مورد شناسایی و معرفی عوامل پیش‌بین این طیف از رفتارهای مجرمانه از سوی مرتکبان آن مبتنی بر مطالعه تجربه‌های زیسته آنان ناشی از خاطرات سرکوب‌شده کودکی‌شان در مسیری است که پشت سر گذاشته‌اند. میزان اثرگذاری متغیرها بر جامعه آماری و تبیین چرایی و چگونگی ورود به مسیر زورگیری و قلدری‌های خیابانی در میان آن‌ها را باید به مقادیر Beta واگذار کرد، زیرا این مقادیر استاندارد شده بوده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها در آن فراهم است. بر این اساس، ۲۱ متغیر مورد آزمون در جدول ۱ از بالاترین سطح اثرگذاری بر انتخاب‌های مجرمانه این طیف از بزهکاران و مانایی آن‌ها در ورطه‌های مجرمانه برخوردار بودند.

تحلیل مبتنی بر آمار استنباطی جدول دوم

در جدول ۲ مؤلفه‌های فرار از منزل و گرایش‌های مجرمانه در خانواده به‌عنوان متغیرهایی با میزان اثرگذاری متوسط بر جمعیت نمونه مورد پردازش استنباطی قرار گرفته‌اند که طبق خروجی‌های معادله رگرسیون و مقادیر Beta مشخص شد که دو مؤلفه مذکور از سطح اثرگذاری متوسط نسبت به جدول ۱ بر جرائم زورگیری و قلدری‌های خیابانی برخوردار بوده‌اند.

تحلیل مبتنی بر آمار استنباطی جدول سوم

در تحلیل رگرسیون به روش گام به گام، متغیرها تا زمانی وارد معادله رگرسیون می‌شوند که سطح معناداری آن‌ها به ۰/۰۵ برسد. در جدول متغیر خارج از معادله در مرحله نهایی رگرسیون چندمتغیره، متغیری که سطح معنی‌داری آن بالای ۰/۰۵ است، از معادله رگرسیون خارج می‌شود. این امر به آن معناست که مؤلفه‌های مذکور تأثیری در آزمون متغیرهای مربوط به زورگیری و قلدری‌های خیابانی نداشته‌اند. متغیرهای خارج‌شده از معادله (جدول شماره ۳) به ترتیب تأثیر جرم سابق بر جرم کنونی، سرپرست خانواده و تجربه حضور نامادری و ناپدیری هستند.

جدول ۱: خروجی آزمون رگرسیون چندگانه عوامل متأثر از خاطرات سرکوب‌شدهٔ کودکی								
Stepwise	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	B	Std. Error	Beta	sig
ارتکاب جرم در گروه سنی حساس	.775 ^f	.608	.592	4.224	1.912	.339	.289	.000
وضعیت اشتغال مجرم	.712 ^c	.506	.491	4.661	1.365	.345	.595	.000
وضعیت تحصیلی مجرم	.759 ^e	.577	.554	4.224	2.314	.339	.281	.000
سابقهٔ انحراف و اعتیاد در خانواده	.775 ^f	.608	.592	4.224	1.912	.339	.289	.000
سطوح نظارت والدینی	.712 ^c	.506	.492	4.661	1.365	.345	.235	.000
فاصلهٔ بین محکومیت‌ها (بازگشت‌ها و تکرارهای مجرمانه)	.747 ^d	.558	.540	4.433	1.689	.506	.590	.000
مهاجرت	.759 ^e	.577	.555	4.363	1.637	.314	.143	.000
وضعیت اقتصادی خانواده	.748 ^d	.566	.590	4.433	1.689	.506	.205	.000
سابقهٔ کانون اصلاح و تربیت	.779 ^f	.507	.582	4.224	2.912	.339	.182	.000
نظارت‌های فردی و اجتماعی	.712 ^c	.506	.491	4.661	1.365	.345	.595	.000
شیطنت‌های دردسرساز دوران کودکی	.759 ^e	.577	.554	4.224	1.314	.339	.281	.000

سابقه بزه‌دیدی و خشونت	.759 ^e	.577	.555	4.363	1.637	.314	.143	.000
دفعات بزه‌دیدی	.747 ^d	.558	.540	4.433	1.689	.506	.235	.000
کار در کودکی	.712 ^c	.506	.492	4.661	1.365	.345	.235	.000
سابقه اعتیاد مجرم	.747 ^d	.558	.540	4.433	1.689	.506	.590	.000
دوستان بزه‌کار	.653 ^b	.526	.414	5.000	1.999	.549	.285	.000
واقعه تلخ گذشته به طور کلی	.671 ^c	.450	.432	4.922	.981	.258	.289	.000
ترک تحصیل	.653 ^b	.526	.414	5.000	1.999	.549	.285	.000
تجربه طلاق و فوت والدین	.653 ^b	.520	.314	5.000	1.999	.530	.280	.000
دلیل ارتکاب نخستین جرم	.699 ^d	.489	.467	4.768	2.910	.337	.205	.000
میزان مسئولیت‌پذیری فردی در قبال رفتارهای مجرمانه	.653 ^b	.526	.401	5.000	1.999	.500	.280	.000

جدول شماره نخست: معرفی متغیرهایی با بیشترین میزان اثرگذاری

جدول ۲: خروجی آزمون رگرسیون چندگانه عوامل متأثر از خاطرات سرکوب‌شدهٔ کودکی

Stepwise	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	B	Std. Error	Beta	sig
فرار از منزل	.553 ^b	.426	.414	5.000	1.999	.549	.281	.000
گرایشات مجرمانه در خانواده	.590 ^a	.348	.341	5.303	2.071	.287	.260	.000

* جدول شماره دوم: معرفی متغیرهایی با حد متوسط اثرگذاری *

Excluded Variables Model	Beta In	t	Sig.	Partial Correlation	Collinearity Statistics
					Tolerance
تأثیر جرم سابق بر جرم فعلی	.114 ^d	1.501	.137	.152	.984
سرپرست خانواده	.205 ^d	2.701	.008	.267	.938
تجربهٔ حضور نامادری و ناپدیری	- .125 ^e	- 1.688	.095	.172	.957

* جدول شماره سوم: معرفی متغیرهای خارج از معادله با کم‌ترین میزان اثرگذاری *

نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال مطالعه اهمیت و میزان اثرگذاری خاطرات سرکوب‌شده دوران کودکی بر بروز طیفی از مجرمان محکوم‌شده به زورگیری و قلدری خیابانی، جریان زندگی طیفی از تابعان زندان تهران بزرگ را از نظر کیفیت الگوهای یادگیری در آن‌ها، روند تجربه‌اندوژی‌هایشان و میزان تأثیرپذیری از نیروهای اجتماعی پیرامونی در میان جمعیت نمونه بررسی کرده است. مبنای توصیف و تبیین در پژوهش حاضر بر مدار رویکردهای نظری متعددی بررسی شد. اثبات فرضیه از طریق آزمون استنباطی رگرسیون چندمتغیره و ارزیابی میزان اثرگذاری متغیرها از طریق نمودارهای توصیفی به تصویر کشیده شد. موضوعی که ضرورت مطالعات چندبعدی از کیفیت زیست فردی و اجتماعی مجرمان به علاوه شناسایی پیچیدگی‌های شخصیتی آن‌ها را امری مهم و شایسته توجه می‌سازد. موضوعی که در جهت هرچه کاربردی‌تر کردن تدابیر بازپرورانه و پیش‌گیرانه در قبال مجرمان بارنخست، مزمن و خطرناک گام می‌نهد.

باید به این موضوع توجه کرد که پدیده‌های اجتماعی به جهت ماهیت پیچیده آن‌ها کم‌تر با رویکرد تک‌عاملی امکان تبیین می‌یابند. بررسی و تحلیل تجربه‌های زیسته مجرمان در طول جریان زندگی‌شان، بیانگر این واقعیت است که بروز جرم در نتیجه آمیختگی دلایل چندگانه فردی، خانوادگی و اجتماعی بوده است. نتیجه این پژوهش با نظریه‌های مطرح‌شده در آن همخوانی دارد. داده‌های نظری اخذ‌شده اذهان را این‌گونه در جهت درک نتایج حاصل‌شده در قسمت کمی پژوهش به یک نظم منطقی رهنمون می‌سازند که:

- نقش‌پذیری افراد در اجتماع به‌عنوان جامعه‌پذیر یا جامعه‌ستیز، غالباً امری اکتسابی و آموختنی است؛
- نقش‌پذیری‌های اجتماعی یا ضداجتماعی آگاهانه یا ناآگاهانه یاد گرفته می‌شوند؛
- نقش‌پذیری‌ها طی یک فرایند تجربه‌آموزی کسب می‌شوند، بنابراین به‌یک‌باره و یک‌شبه اتفاق نمی‌افتند؛

- هنجارهای گروه اجتماعی که مجرم متعلق به آن است در نحوه نقش‌پذیری او مؤثرند؛

- نقش‌پذیری‌های مجرمانه در سطح قابل‌توجهی از نمونه‌های جامعه آماری حاصل‌گزینش و انتخاب شخصی نبوده بلکه به باور مرتکبان کاملاً اتفاقی واقع شده‌اند،^۱ لذا نتایج اخذ‌شده بیانگر تأثیر آموخته‌ها، مشاهدات، الگوهای رفتاری و خاطرات سرکوب‌شده دوران کودکی و نوجوانی و فقدان ابزارهای خودمهارگری در آن‌ها بوده است.

۱. ۴۱ درصد جامعه آماری خود را کاملاً بی‌تقصیر دانسته و ارتکاب جرم را ناشی از جبر زندگی یا شرایط جامعه بیان کرده‌اند.

تمرکز بر نقش وقایع، تجربه‌های فردی و نیز توجه به بسترهای موجد خطر در میان جامعه آماری مبتنی بر این واقعیت بوده است که مرتکبان زورگیری و قلدری‌های خیابانی غالباً، توشه‌ای حاوی استمرار آثار حاصل از تجربه‌های گذشته‌شان را با خود همراه دارند، از جمله ابعاد وسیعی از تجربه بزه‌دیدگی و خشونت در دوران کودکی و نوجوانی، تجربه‌های زود هنگام و بزهکاری‌های پیش‌رس، الگوهای نادرست یادگیری، جذب شدن در خرده‌فرهنگ‌های هنجارستیز (جمع دوستان ناباب) و مواردی دیگر از تأثیر نیروهای اجتماعی بر شکل‌دهی و تکوین شخصیت جنایی در مجرمان. جهت ارزیابی میزان اثرگذاری خاطرات سرکوب‌شده کودکی بر تمایل به ارتکاب جرم به گردآوری داده‌های آماری پرداخته شد. نتایجی که مبتنی بر سه سطح از ویژگی‌های مجرمان (فردی، خانوادگی و اجتماعی) تحصیل شد. مؤلفه‌های برگرفته از نیروی اثرگذار خاطرات و تجربیات دوران کودکی در این مطالعه (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل، وجود سابقه اعتیاد یا انحراف در میان اعضای خانواده، سابقه خشونت و بزه‌دیدگی، میزان ارتباط با دوستان سابقه‌دار، سابقه کیفی پیش‌رس، وضعیت تأهل، اشتغال، میزان و کیفیت نظارت والدین، موقعیت تحصیلی و علت ترک تحصیل، نحوه گذراندن اوقات فراغت و میزان وابستگی‌های فردی و اجتماعی) بوده است.

یافته‌های پژوهش حاکی از هم‌خوانی و هم‌سویی معلومات نظری با داده‌های میدانی است. بر این اساس، نتیجه آزمون فرضیه در پژوهش حاضر به این نحو اثبات شد که تجربه‌ها و وقایع ناخوشایند گذشته و الگوهای یادگیری به خصوص در دوره کودکی و نوجوانی بر تمایل جامعه آماری به ارتکاب جرائم زورگیری و قلدری‌های خیابانی بسیار اثرگذار بوده‌اند. این پژوهش با به آزمون گذاردن فرضیه مطروحه مشخص کرد که مفروض ارائه‌شده به نحو کامل اثبات می‌شود.

اثبات فرضیه پژوهش

نتیجه‌ای که از آزمون این فرضیه حاصل شد نشان می‌دهد که زورگیری و قلدری‌های خیابانی معلول تأثیرپذیری از مجموعه‌ای از شرایط، اوضاع و احوال، وقایع و تجربه‌های فردی و اجتماعی هستند. امری که نشانگر اثرگذاری عواملی شخصی بر بروز و ظهور جامعه‌ستیزی در این طیف از مجرمان بوده است، امری که می‌توان از آن به‌عنوان مؤلفه‌های پیش‌بین جرم در حیطه زورگیری و قلدری تعبیر کرد. مؤلفه‌های مذکور در بخش نخست در پرتو رویکرد نظری خاطرات سرکوب‌شده زیگموند فروید و نحله‌های مرتبط با آن تبیین شدند، سپس همین متغیرها در بخش دوم به‌عنوان متغیر میدانی مورد

پیمایش قرار گرفتند. مؤلفه‌هایی که در سه سطح کلی به ارائه داده‌پردازی شناختی در قبال جمعیت نمونه پژوهش حاضر منجر شد:

سطح اول: تجربه‌های ناخوشایند و مؤثر کودکی بر جامعه آماری شامل ارتکاب جرم در رده سنی حساس، فرار از منزل، سابقه بزه‌دیدگی و خشونت، دفعات بزه‌دیدگی، کار در کودکی، سابقه اعتیاد و انحراف در خانواده، تجربه طلاق و فوت والدین، ترک تحصیل اجباری، مرور وقایع تلخ شخصی شده مجرمان در گذشته را شامل شد.

سطح دوم: وضعیت خانوادگی و اجتماعی جامعه آماری با تمرکز بر میزان نظارت والدینی (در سه سطح)، وجود یا عدم وجود علقه‌های خانوادگی، میزان پیوندهای مذهبی در مجرم و خانواده او، وجود گسست‌های خانوادگی، سطح اقتصادی خانواده، وضعیت اشتغال، دلیل ارتکاب جرم نخستین، سرپرستی خانواده، شیطنت‌های در‌دسرساز دوران کودکی، نحوه پرکردن اوقات فراغت، و مهاجرت. سطح سوم: سابقه انحراف در میان محکومان مورد مطالعه با اشاره به سابقه غیررسمی پیش‌رس، سابقه کانون اصلاح و تربیت، سابقه تکرار جرم، فاصله میان محکومیت‌ها (بازگشت‌های مجرمانه)، وجود سابقه کیفری در میان اعضای خانواده و دوستان بزه‌کار.

براین اساس، از میان متغیرهای موجود در مجموع سطوح سه‌گانه فوق تمام متغیرها دارای رابطه معنادار با جرائم زورگیری و قلدری‌های خیابانی در میان جامعه آماری پژوهش محسوب شدند و در معادله باقی ماندند، به استثنای مؤلفه‌های سرپرست خانواده، تجربه حضور نامادری و ناپدیری در خانواده و تأثیر جرم سابق بر جرم کنونی که علی‌رغم برخورداری از میزان اندکی اثرگذاری، ارتباط معناداری میان آن‌ها با رفتارهای مجرمانه در جمعیت نمونه حاصل نشد و از معادله خارج شدند.

منابع

۱. آیزن، ایساک (۱۳۹۰)، نگرش‌ها، شخصیت و رفتار، ترجمه و تحقیق جعفر نجفی زند، تهران: دانا.
۲. بابایی، محمد (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی بالینی، تهران: میزان.
۳. بارلد، دیوید اچ، دیوراند وینست، مارک (۱۳۹۶)، روان‌شناسی نابهنجاری با رویکرد یکپارچه (مبتنی بر سرفصل‌های انجمن روان‌شناسی آمریکا) برای دورهٔ آسیب‌شناسی روانی، ترجمهٔ غلام‌رضا چلبیانلو و همکاران، تهران: ابن سینا.
۴. بخارایی، احمد (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۵. بودن، ریمون (۱۳۹۵)، منطق اجتماعی، ترجمهٔ عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران: توتیا.
۶. تاج‌زمان، دانش (۱۳۹۳)، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ تهران: کیهان.
۷. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۹۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
۸. خواجه‌نوری، نسرين (۱۳۹۵)، «خاطرات سرکوب‌شده»، دانشنامهٔ بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، ج دوم، با نظارت علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
۹. دانش، تاج‌زمان (۱۳۹۳)، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ تهران: کیهان.
۱۰. رضوانی، سودابه (۱۳۹۶)، مفهوم خطرناکی در گسترهٔ علوم جنایی، تهران: میزان.
۱۱. روسک، جوزف و وارن، رولند (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمهٔ بهروز نبوی و احمد کریمی، تهران: فروردین.
۱۲. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۹)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور.
۱۳. سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۹۹)، نظریه‌های شخصیت (مکاتب روان‌شناسی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. شیخاوندی، داور (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: مرنديز.
۱۶. عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۰)، پایداری در بزهکاری (مطالعهٔ تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان)، تهران: جاودانه.
۱۷. عظیم‌زاده، شادی و شیخ‌الاسلامی وطنی، گلاویز (۱۳۹۳)، «از مادر معتاد تا فرزند بزهکار؛ الگوی رشد مجرمانه مبتنی بر بزه‌دیده‌شناسی ثانویه»، مجلهٔ حقوقی دادگستری، ۸۸، ۱۸۷-۲۱۲.
۱۸. غلامی، حسین، و حسین‌آبادی، حسین‌جواد (۱۳۹۸)، «جرم‌شناسی تلفیقی: روایت چالش‌ها و به‌گزینی راهکارها»، فصلنامهٔ آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۸، ۳۵۱-۳۸۶.
۱۹. غلامی، حسین، و حسین‌آبادی، حسین‌جواد (۱۳۹۸)، «نظریه‌پردازی در جرم‌شناسی تلفیقی»، فصلنامهٔ روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۰۰، ۱-۲۱.
۲۰. فارینگتون، دیوید، بی پیکرو، الکس آر، و وسلی جی، جنینگز (۱۳۹۷)، بزهکاری از کودکی تا اواخر میان‌سالی، ترجمهٔ سارا آقایی، تهران: میزان.
۲۱. فروید، زیگموند (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره، ترجمهٔ محمد حسین وقار، تهران: اطلاعات.
۲۲. فروید، زیگموند (۱۴۰۰)، توتم و تابو. ترجمهٔ محمدعلی خنجی، تهران: نگاه.
۲۳. فروید، زیگموند (۱۴۰۲)، مقدمه‌ای بر روان‌کاوی، ترجمهٔ مهتا عافیت‌طلب، تهران: آده.
۲۴. قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۹۷)، «طرح‌واره‌های ذهنی، فرهنگ و تغییر»، بازتاب دانش: نشریه‌ای دربارهٔ شناخت مغز و رفتار، ۱، ۵۷-۶۸.
۲۵. قماش، سعید (۱۳۹۴)، «از جرم‌شناسی علت‌شناختی تا جرم‌شناسی شناختی»، فصل‌نامهٔ تحقیقات حقوقی، ۷۰، ۲۴۷-۲۷۱.
۲۶. گسن، ریموند (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمهٔ مهدی کی‌نیا، تهران: مترجم.

۲۷. مارش، یان، ملویله، گینور، مورگان، کیت. نوریس، گارت و الکتکتن، زئو (۱۳۹۵). نظریه‌های جرم، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: میزان.
۲۸. محبوب، جلیل (۱۳۸۳)، «ایران، رویکرد جریان زندگی در مطالعات جمعیت‌شناسی»، مجله جمعیت، ۴۷-۴۸، ۹۵-۱۱۸.
۲۹. معظمی، شهلا (۱۳۹۰)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران: دادگستر.
۳۰. ممتاز، فریده (۱۳۹۲)، انحرافات اجتماعی؛ نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: سهامی انتشار.
۳۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی. دوره کارشناسی ارشد، گردآوری محمدی و موسی‌زاده عباسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۳)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: گنج دانش.
۳۳. نوریها، رضا (۱۳۹۲)، زمینه جرم‌شناسی، تهران: گنج دانش.
۳۴. نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۷)، بزهکاری به عادت از علت‌شناسی تا پیش‌گیری، تهران: فکرسازان.
۳۵. والیش، جوزف (۱۳۹۳)، نظریه‌های مددکاری اجتماعی در عمل، ترجمه فریده همتی، تهران: علوم اجتماعی.
۳۶. ولد، جرج، و برنارد، اسنیپس (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی نظری، گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
۳۷. ویلیامز، فرانک بی، لین دی، ماری، و شین، مک (۱۳۹۳)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات میزان.

References

1. Berg, M., & Delisi, M. (2005), "Do Career Criminal Exist In Rural America?", *Journal Of Criminal Justice*, 33, 320 _325.
2. Blokland, A., & Nieuwebberta, P. (2012), *Life Course Criminology. International Handbook of Criminology CRC Press –Taylor and Francis Group*, Retrieved in: 4 _20_2013 in: <http://ics.uda.rug.n>.
3. Blokland, A., & Nieuwebberta, D. (2009), *Children Risk FactorsAnd Risk _ Focused Prevention*, Institute Of Criminology of Cambrige, 4.
4. Cheit, R. (2007). *The Recovered memory Project – 101 Corroborated Cases of Recovered Memories*. Retreaved from http://www.brown.edu /Departments/Taubman_ Center / Recovmem .
5. Cullen, F., Benson, M., & Makarios, M. (2019), *Developmental and Life _ Course Theories of Offending, The Oxford Handbook of Crime Prevention* .Oxford University Press.
6. Eassurvey's Weblug (2008), *Abrief history of the false memory research of Elizabeth Loftus*. Retrieved from <http://eassurvey. Wordpress.com/2008/11/15.a-brief>.
7. Elder Glen, H. (2018), *Perspective On The Life Course . in Life –Course Dynamics*, By Glen.H.Elder. Ithaca. Cornell University Press.

8. Farrington, D.P. (2013), “Key Result From The Frist 40 Years Of The Cambridg Study InDelinquent”, In Thornberry, T.P. & Krohn, M.D. *Taking Stock Of Delinquency: An OverviewOf findings from contemporary Longitudinal Studies*, NewYork: Routledge, pp.137 _145
9. Trifu, S. (2013), “The Malignant Narcissistic Dimension in the antisocial Personality disorder”, *Jforensic Res*, 3,188-198.
10. Ware, J., Ciplu cha , C., & Matsue, D. (2010), “The Violent Offenders The Rapeutic Programme (VPTP)Rational effectiveness”, *Australian Journal of Correctional Staff development*